

آمریکا چطور افغانستان را به آزمایشگاه جنگ افزار تبدیل کرد؟

خالد هنوز اولین باری که درباره پهپادها شنید را یادش است. ۱۰ سالش بود، در کلاس درسی در خوگیان، منطقه‌ای نزدیک به خط دیورند در استان ننگرهار نشسته بود. تعدادی از دوستانش درباره مرگ اخیر مردی محلی صحبت می‌کردند.

یکی از آن‌ها در حالی که صدای سوت کشیدن هواگردی بدون سرنشین را تقلید می‌کرد گفت: «بعدش پهپاد اومد، و او مرده بود.»

خالد متوجه نشد درباره چه حرف می‌زنند. به نظر می‌رسید تنها کسی باشد که از این راز بی‌خبر است. بالاخره تصمیم گرفت از معلمش سوال کند. منظورم بقیه پسرها چه بود؟ پهپاد چیست؟

پاسخ معلمش ظاهراً هم از روی آگاهی از گذشته بود و هم باخبری از آینده: «پهپاد چیز است که وقتی توجه‌اش به تو جلب شود، دیگر زنده نمی‌مانی.»

این ماجرا مربوط به سال ۲۰۰۷ است. خالد حالا ۲۲ سال دارد و مردی جوان است. درگیری نظامی آمریکا در افغانستان که نشنت گرفته از حملات القاعده در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بود- آن موقع که خالد درباره پهپادها می‌آموخت به مدت شش سال در جریان بود؛ اما حملات پهپاد نیز قدمتی به همان اندازه داشتند.



نخستین مورد کشته شدن یک غیرنظامی در افغانستان، در سال ۲۰۰۲ اتفاق افتاد؛ زمانی که مردی به نام درز خان توسط موشک هل‌فایر که پهپاد Predator در بخش شرقی منطقه خوست انداخت کشته شد. ایالات متحده مظنون بود که او اسامه بن لادن است؛ ساکنین محلی می‌گویند درز خان صرفاً به دنبال ضایعات آهن بوده.

از آن زمان، استان ننگرهار که خالد در آن زندگی می‌کرد به مرکزی برای گروه‌های مسلح نخست طالبان و بعد نیروهایی که خود را وفادار به داعش معرفی می‌کردند- و تجارت مواد مخدر تبدیل شد. علاوه بر این داریم درباره منطقه‌ای صحبت می‌کنیم که یکی از بمباران‌شده‌ترین مناطق در بمباران‌شده‌ترین کشورهای جهان به وسیله پهپادها بوده است.

جنگ افغانستان طولانی‌ترین درگیری تاریخ آمریکا محسوب می‌شود

افکار عمومی آمریکا اما این را فراموش کرده است. جنگ افغانستان برای ۱۸ سال در جریان بوده و به طولانی‌ترین درگیری در تاریخ آمریکا تبدیل شده است (با پیشی گرفتن از دستاورد قبلی با جنگ ویتنام در ماه فوریه ۲۰۱۹). در جریان این سال‌ها، پوشش خبری به شکلی چشمگیر کاهش یافته. بنابر آمار مرکز تحقیقاتی Pew در زمینه خبرنگاری و مدیا، افغانستان تنها ۱ درصد از پوشش خبری آمریکا در سال ۲۰۰۷ را به خود اختصاص داد و اندکی کمتر از ۴ درصد را در سال ۲۰۱۰؛ زمانی که پنتاگون ۱۰۰ هزار سرباز اعزام کرد و ۵۱۰۱ بمب بر سر این کشور ریخت. امروز میزان پوشش بسیار ناچیز است: حتی Pew هم دیگر اصلاً به عنوان یک موضوع آن را پایش نمی‌کند.



در حقیقت فعالیت نظامی در افغانستان مجدداً در حال افزایش است. حضور سربازان آمریکایی زیر نظر دولت ترامپ دوباره افزایش یافته و حالا ۱۵ هزار پرسنل رسمی ارتش آمریکا به این کشور فرستاده شده‌اند. حملات هوایی رکوردشکنی کرده‌اند. بنابر آمار مرکز فرماندهی نیروی هوایی آمریکا، در سال گذشته میلادی ۷۳۶۲ بمب توسط نیروهای آمریکایی بر سر افغانستان ریخته شده است.

تاسی و یکم اگوست امسال، دفتر روزنامه‌نگاری تحقیقی، مستندات بالغ بر ۴۲۵۱ حمله هوایی را در افغانستان طی سال ۲۰۱۹ جمع‌آوری کرده. گمان می‌رود که اکثر این حملات با پهپاد انجام شده باشند. این حملات ناقوس مرگ را بیشتر و بیشتر برای مردم افغان به صدا در می‌آورند. بنابر آمار سازمان ملل متحد، امسال نیروهای ائتلاف خارجی مسنول مرگ غیرنظامی‌های بیشتری نسبت به طالبان یا داعش بوده؛ برای اولین بار از زمانی که این سازمان شروع به ثبت آمار مرگ غیرنظامی‌ها در سال ۲۰۰۹ کرد. بین یکم ژانویه تا سی‌ام ژوئن، نیروهای نظامی بین‌المللی از طریق مأموریت‌های هوایی، مسنول ۸۹ درصد از تلفات ۵۱۹ غیرنظامی بوده‌اند؛ ۳۵۶ کشته و ۱۵۶ زخمی.

اما این صرفاً نبرد پهپادها نیست که افزایش یافته. ارتش ایالات متحده از این جنگ برای آزمایش و بهبود تاکتیک‌های دیگر هم استفاده کرده است.

جنگ اطلاعاتی



در سال ۲۰۰۷، نیروهای آمریکایی شروع به تصویربرداری و ثبت اثر انگشت و اسکن عنبیه چشم از هر افغانستانی که به تورشان می‌خورد کردند. تا سال ۲۰۱۱، تقریباً دو میلیون نفر بیشتر از ۵ درصد جمعیت کشور- اطلاعات بیومتریک خود را در اختیار ارتش آمریکا قرار دادند. در اکثر موارد، ادعا می‌شد که این کار برای احراز هویت مظنونین شبه نظامی یا طی کردن پروسه اشتغال در نیروهای امنیتی دولتی یا پایگاه‌های ائتلاف انجام می‌شود؛ اما می‌توانست هر زمانی و تقریباً به هر دلیلی انجام شود.

ترس از نظارت همگانی به دل عموم افغان‌ها نفوذ کرده است

پنتاگون گفت این حرکت که تاکتیکی به نام «تسلط هویتی» است- انجام شد تا شورشیان شناخته شوند و از نفوذ جلوگیری به عمل آید. اما باور عمومی بر اینست که یگان ویژه نیروی دریایی آمریکا از سیستم هویت خود برای تایید اینکه اسامه بن لادن را در پاکستان یافته است استفاده کرده. و در عراق، جایی که آمریکا قبلاً جمع‌آوری بیومتریک‌ها را آزموده بود، از این سیستم برای کنترل تحرکات مردم استفاده می‌شد، خصوصاً در مناطق پرمنارعه مانند فلوجه.

احتمالاً جای تعجب نداشته باشد که ترس از نظارت همگانی به دل عموم افغان‌ها نفوذ کرده است. شایعاتی درباره استفاده از تکنیک‌های جدید برای جاسوسی از مردم به گوش می‌رسد: خالد و دوستش، نعمت‌الله داستان‌هایی درباره نوعی جوهر تعریف می‌کنند که می‌توان آن را به لباس شما مالید و راحت‌تر ردتان را گرفت. این داستان‌ها باعث شده‌اند که یک مکانیزم دفاعی جدید میان ننگرهای‌ها پدید آید؛ «فقط باید لباست را در بیاوری و وارد آب شوی. گویا این کار یکجوری سیگنال را مختل می‌کند».

عبید علی، تحلیلگری در شبکه تحلیلی افغانستان که به تفصیل درباره ماموریت‌های هوایی نوشته است، می‌گوید درباره چیزهایی دیوایس‌های پایشگر فیزیکی شنیده است؛ البته مدل‌هایی اندک سنتی‌تر از آن‌ها. «این‌ها دستگاه‌های الکترونیکی بسیار کوچکی هستند که درون لباس شما انداخته می‌شوند».



یکی از سخنگویان وزارت دفاع گفته که به دلایل امنیتی، پنتاگون نمی‌تواند درباره تاکتیک‌ها، تکنیک‌ها یا فرآیندهای عملیاتی صحبت کند. رحمت‌الله نبیل کاندیدای ریاست جمهوری و کسی که دو بار به عنوان رییس امنیت ملی افغانستان برگزیده شده- می‌گوید مردم بدون تردید پایش می‌شوند، اما عمده این کار از طریق سیگنال‌های موبایل انجام می‌شود. نبیل می‌گوید این موضوع منجر به آن شده که طالبان به تاکتیک‌های آشنا متکی باقی بماند تا از پایش شدن جلوگیری کند: «آن‌ها از ساده‌ترین موبایل‌های ممکن استفاده می‌کنند و هر چند ساعت یک بار لوکیشن خود را تغییر می‌دهند. آن‌ها هیچوقت برای مدتی بیشتر از ۴۸ ساعت در یک جا نمی‌مانند».

در بسیاری از نقاط تحت تسلط طالبان، صرفاً داشتن یک اسمارت‌فون به معنای اطلاعاتی بودن است

در بسیاری از نقاط کشور، خطوط موبایل قطع می‌شوند؛ معمولاً توسط طالبان. در ماه آگوست، طالبان اعلام کرد که کارمندان اپراتور دولتی «سلام تلکام» را هدف قرار خواهد داد و افزود که کارمندان این کمپانی، در ارتباط با آژانس‌های اطلاعاتی هستند. در بسیاری از نقاط تحت تسلط طالبان، صرفاً داشتن یک اسمارت‌فون باعث می‌شود یک نفر مشکوک به مامور اطلاعاتی بودن باشد. این یعنی اگرچه برخی از مردم معمولاً از موبایل برای برقراری ارتباط با آشنایان بعد از یک حمله تروریستی یا یک ماموریت امنیتی استفاده می‌کنند، برخی کاملاً از خیر موبایل‌ها گذشته‌اند.

اما حتی اگر موبایل‌تان را دور ببندازید، هیچوقت با نیروهای گشت سربازان آمریکایی روبه‌رو نشوید و اطلاعات بیومتریک‌تان را پیش خودتان نگه دارید، باز هم ممکن است پایتان به جنگ باز شود.

انبوه جنگ‌افزار



دستگاهی که آوریل ۲۰۱۷ در روستایی کوچک در منطقه اچین ننگرهار سقوط کرد، مثل هر بمبی نبود. بمب GBU-43/B Massive Ordnance Air Blast (یا به اختصار MOAB)، وزنی معادل ۹۸۰۰ کیلوگرم داشت و ۱۷۰ هزار دلار می‌ارزید. این قدرتمندترین سلاح غیراتمی بود که تا آن روز استفاده می‌شد؛ با توانایی نابودی منطقه‌ای به ابعاد ۹ بلوک شهری. خیلی زود لقب «مادر تمام بمب‌ها» را مال خود کرد.

دولت افغانستان سعی کرد با گفتن اینکه حداقل ۹۴ مبارز داعشی کشته شده‌اند، این حمله را توجیه کند. اما حامد کرزی، رئیس‌جمهور پیشین آن را مثالی واضح بر این تلقی کرد که آمریکا در حال سوء استفاده از افغانستان برای آزمایش‌های جنگ‌افزایی است. او در توییتر نوشت: «این نبرد با تروریسم نیست، بلکه غیرانسانی‌ترین و وحشیانه‌ترین شکل سوء استفاده از کشور ما به عنوان آزمایشگاهی برای سلاح‌های جدید و خطرناک است.»

نبیل، رئیس امنیت ملی پیشین هم موافق است: «آیا آن‌ها از چنین سلاح‌هایی در هر جای دیگر از جهان استفاده کرده‌اند؟ نه. مشخصاً اچین مکانی بی‌دردسر برای آن‌ها بود که سلاح‌هایشان را تست کنند.»



دولت مدعی شده آن بمب مبارزان خارجی چندین کشور مختلف را کشته است. اما در روزها و هفته‌های پس از بمباران، خود روستا همچنان زیر نظر ارتش ایالات متحده بود. حضور ژورنالیست‌ها در شعاع ۱۰ کیلومتری منطقه مجاز نبود و بعداً مشخص بود که ارتش محلی و مقامات دولتی هم اجازه ورود به منطقه را نیافتند. در دو سال و نیمی که از آن زمان می‌گذرد، خبرنگاران و محققین هنوز نتوانسته‌اند از محل دقیق حمله باخبر شوند تا از معمای آنچه اتفاق افتاده سر در بیاورند.

اصلاً چرا از بمبی با چنین ابعاد استفاده شد؟ چند روز بعد از ارسال MOAB، مایک پنس، معاون رییس جمهور یکی از انگیزه‌های این کار را روشن کرد: به عنوان نمایشی از قدرت. او در رویدادی در سنول گفت: «فقط طی دو هفته اخیر، جهان شاهد قدرت رییس جمهور ما با کارهایی که در سوریه و افغانستان انجام شده، بوده است. کره شمالی بهتر است قدرت نیروهای نظامی ایالات متحده را در این منطقه به بوته آزمایش نگذارد».

جای خالی تحقیقات

هم‌اکنون شرایط بدتر شده چون ارتش ایالات متحده هیچوقت درباره عملیات‌هایش شفاف نبوده است. سازمان ناظر بر حقوق بشر در سال ۲۰۱۸ در گزارشی گفت که نه دولت افغانستان و نه دولت آمریکا به اندازه کافی روی تخطی از قوانین جنگ تحقیق نمی‌کنند.

مردم افغان هم موافق هستند. از سال ۲۰۱۵ با هزاران نفر در اقطی نقاط افغانستان مصاحبه شده است. هر بار آن‌ها می‌گویند که افراد کافی برای تجسس درباره حملات در مناطق‌شان فرستاده نشده است. و حتی وقتی گزارش‌هایی به صورت مستقل منتشر می‌شوند، مقامات کابل و انتلافی که آمریکا رهبری‌اش می‌کند اتهام جهت‌گیری سیاسی را به آن‌ها وارد می‌سازند.



عمران فروز، خبرنگار افغان-اتریشی و نویسنده‌ای که عملیات‌های هوایی در افغانستان را از سال ۲۰۱۱ پایش کرده می‌گوید: «مشکل اصلی اینست که اکثر این حملات در پوشش شب و در مناطق دور از دسترس انجام می‌شوند، معمولاً هم تحت تاثیر گروه‌هایی مانند طالبان، به همین خاطر برای هرکسی کاری دشوار است که به تحقیق درباره آنها بپردازد.»

هیچ نشانه‌ای از پایان جنگ در افغانستان به چشم نمی‌خورد

تقریباً ۲۰ سال از آغاز درگیری‌ها می‌گذرد و با تشدید دوباره منازعات، هیچ نشانه‌ای از پایان جنگ به چشم نمی‌خورد. با دیپلماسی میان طالبان، دولت افغانستان و دولت ترامپ به نظر می‌رسد پیشرفت اندکی حاصل شده باشد. اما ترامپ، کسی که ادعا می‌کند قراری مخفیانه با طالبان در خاک ایالات متحده را کنسل کرده، قسم خورده تا زمانی که مبارزین طالبان به حمله به غیرنظامی‌های افغان و نیروهای آمریکایی ادامه دهند، مذاکرات را در تعلیق نگه می‌دارد.

با این همه تا زمانی که اطلاعات نظامی ضعیف باشد، این فقط طالبان نیست که افغان‌ها را به وحشت می‌اندازد. در ماه جولای، مرگ دست کم هفت غیرنظامی از جمله سه زن، به شکل‌گیری اعتراضاتی در بخش شرقی استان میدان وردک منجر شد؛ ساکنین این منطقه تهدید کرده‌اند که تا زمانی که کاری برای آنها انجام نشود، انتخابات ریاست جمهوری را بایکوت خواهند کرد. اما فریادها تاثیر چندانی بر فعالیت‌های نظامی نگذاشته است.



در ماه سپتامبر، حداقل ۳۰ غیرنظامی در حمله یک پهپاد آمریکایی در خویگانی کشته شدند. مقامات محلی می‌گویند این حمله قرار بود یکی از مخفیگاه‌های داعش را هدف قرار دهد، اما ساکنین منطقه می‌گویند یک بار دیگر این غیرنظامیان بودند که بهایش را پرداختند.

«همه می‌دانند طالبان و داعش کجا هستند، اما فقط غیر نظامی‌ها کشته می‌شوند»

نبیل، رییس امنیت ملی پیشین می‌گوید بهترین راه برای بهبود شرایط، فاصله گرفتن از تکنولوژی و بازگشتن به جمع‌آوری اطلاعات از طرق صحیح است. «ما باید بهتر از طالبانی‌ها عمل کنیم. ما باید مطمئن شویم که به هر بهایی، از غیرنظامیان محافظت می‌کنیم.» نبیل می‌گوید در دوران خدمت‌اش به عنوان رییس امنیت ملی، عملیات‌های هوایی تنها تحت شرایطی قابل انجام بودند که اطلاعاتی تایید شده از اهداف وجود می‌داشت. «شما نمی‌توانید کار را صرفاً بر اساس حرف‌ها یا ظن یک یا دو نفر پیش ببرید. باید سخت‌کوش باشید، در غیر این صورت به شرایطی می‌رسید که در آن مانند امروز، غیرنظامی‌ها دائماً توسط نیروهای خودی کشته می‌شوند.»

خالد و نعمت‌الله موافقت که افزایش حملات هوایی، هیچ فایده‌ای ندارد. «حتی مردم روستاها هم می‌دانند که طالبان و داعش کجا هستند، اما چرا این غیرنظامی‌ها هستند که دائماً در این حملات کشته می‌شوند؟» نعمت‌الله می‌گوید: «۱۶ ساله بودم که کشته شدن یک نفر را با حمله پهپاد دیدم. از آن زمان اجساد زیادی را شسته‌ام، خون‌شان را، مغزشان را. قلبم حالا مثل سنگ شده است، چون همیشه مردم بی‌گناه هستند که کشته می‌شوند.»

منبع خبر: دیجیاتو